

خبرها

لغو مصونیت قضایی پینوشه

بی‌بی سی: دادگاه عالی شیلی مصونیت حقوقی ژنرال پینوشه دیکتاتور شیلی را لغو کرد و او می‌تواند به خاطر قانون‌شکنی محاکمه شود. ژنرال پینوشه منتهم است که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ جنایت‌بی‌شماری علیه مردم شیلی مرتکب شده است. میشل باشلت رئیس‌جمهور شیلی و مادرش از کسانی هستند که در بازداشتگاه‌های مخوف سانتیاگو پایتخت شیلی توسط زیردستان ژنرال پینوشه شکنجه شده‌اند. خانواده ژنرال پینوشه عقیده دارند که ژنرال ۹۰ ساله بیش از حد پیر است و نباید محاکمه شود. اما عده بی‌شماری از حقوق‌دانان و مردم عادی شیلی خواهان محاکمه او هستند. منبعی نزدیک به دادگاه عالی شیلی به رویترز گفته است: «پینوشه دیگر از مصونیت قضایی برخوردار نیست.» خبرگزاری‌های دیگر هم این خبر را از منابع مختلف تأیید کرده‌اند اما گفته می‌شود که خبر به‌طور رسمی هفته آینده اعلام خواهد شد.

۶۶ میلیارد دلار برای پنتاگون

ایسنا: سنای آمریکا با تصویب لایحه بودجه ۴۶۹ میلیارد دلاری برای پنتاگون، تصمیم گرفت که یگان ویژه سازمان سیا برای جست‌وجو و تعقیب اسامه بن لادن را مجدداً راه‌اندازی کند. به گزارش رویترز اعضای سنای آمریکا پس از یک مناظره تلخ بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها بر سر جنگ عراق و امنیت ملی، به اتفاق آرا از این لایحه حمایت کردند. براساس این لایحه بودجه، ۶۳ میلیارد دلار به‌طور اضطراری به جنگ‌های عراق و افغانستان اختصاص می‌یابد. نمایندگان سنا می‌گویند، با مذاکراتی که بین نمایندگان کنگره به منظور نهایی کردن این قانون صورت می‌گیرد رقم اختصاصی به جنگ‌های عراق و افغانستان احتمالاً به ۷۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. هزینه این جنگ‌ها کثرتن به ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است. سناتوهرای آمریکا به اتفاق آرا از اصلاحیه دموکرات‌ها مبنی بر اختصاص ۲۰۰ میلیارد دلار برای راه‌اندازی مجدد تیم اطلاعاتی سازمان سیا برای پیدا کردن بن‌لادن رهبر القاعده و طرح اصلی حملات ۱۱ سپتامبر حمایت کردند. سنای آمریکا همچنین با اختصاص ۷۰۰ میلیون دلار برای مبارزه با تولید مواد مخدر در افغانستان موافقت کرد.

مخالفان مکزیکیی

مراسم رئیس‌جمهور را مختل کردند

ایسنا: مراسم‌های مکزیک گزارش دادند که معترضان خشمگین طی اقدامی که نشانگر مقاومت اپوزیسیون در برابر ریاست‌جمهوری فلیپه کالدرون بود، در مراسمی که با حضور وی برپا شده بود اختلال ایجاد کردند. به گزارش رویترز، فلیپه کالدرون رئیس‌جمهور محافظه‌کار منتخب مکزیک که هفته‌گذشته با حکم دادگاه انتخاباتی آن کشور از این سمت منصوب شد، به منظور تار گل به قبر یکی از قهرمانان استقلال کشورش در میدانی در شهر مکزیکوسیتی حضور یافت اما نزدیک به ۲۰۰ تن از حامیان اندرس مانوئل لویز اوپرادور کاندیدای چپ‌گرای انتخابات، پیش از آغاز این مراسم به محل برگزاری آن هجوم بردند. روزنامه‌های مکزیک نظیر ریفرورما، او یونیورسال، تلویستا و شبکه تلویزیون دولتی این کشور ضمن اعلام این خبر افزودند که معترضان کالدرون را وادار ساختند که مراسم یادبود قهرمان استقلال مکزیک را در موعد دیگری برگزار کنند. لویز اوپرادور شهردار سابق مکزیکوسیتی که وعده داده افشار فقیر و کم‌درآمد کشورش را از فلاکت و بدبختی نجات خواهد داد، با برپایی اعتراضات خیابانی بخش اعظم پایتخت را فلج کرده و وعده داد که مانع از حاکمرانی کالدرون بر مکزیک خواهد شد.

اعتصاب مخالفان رئیس‌جمهور بولیوی

مخالفان رئیس‌جمهور بولیوی با مسدود کردن خیابان‌های اصلی چهار شهر کشورشان علیه اقدام حزب حاکم برای بازنویسی قانون اساسی بولیوی اعتراض کرده و دست به اعتصاب زدند. به گزارش آسوشیتدپرس مخالفان و حامیان حزب «حرکت به سوی سوسیالیسم» بولیوی به رهبری او و مورالس رئیس‌جمهور این کشور در شهر سانتاکروز بزرگترین شهر این کشور به درگیری و زد و خورد پرداختند. اوو مورالس ماه گذشته با تشکیل مجمع قانون اساسی بولیوی بازنویسی قانون اساسی کشورش را به هدف از بین بردن استیلای یک قرن‌ای اقلیت اروپایی و ایجاد فرصت‌های بیشتری برای افشار فقیر و اکثریت بومی خواستار شد. مخالفان این طرح معتقدند که حزب مورالس با چنین اقدامی در تلاش است تا بدون به رسمیت شناختن چهار ایالت شرقی بولیوی که خواهان اقتدار بیشتر هستند، اختیارات رئیس‌جمهور را بیش از پیش گسترش دهد. مورالس پنجشنبه گذشته اعتراضات را بی اهمیت خواند و آن را توطئه‌ای سیاسی از سوی حزب محافظه‌کار کشورش توصیف کرد.

قرارداد مبارزه با تروریسم آمریکا و سوئیس

اپنا: شورای فدرال سوئیس قرارداد همکاری امنیتی با آمریکا در زمینه مبارزه با تروریسم را تصویب کرد. به نوشته روزنامه «درپوند» این قرارداد شامل همکاری‌های مشترک در زمینه تحقیقات، مبادله اطلاعات و نیز تأمینات قدم در مقابله با تروریسم است. اجرایی شدن این طرح به موافقت مجلسین سوئیس نیز نیاز دارد و برای تصویب در اختیار مجلسی این کشور قرار خواهد گرفت. این قرارداد که در تیرماه به امضای برن و واشینگتن رسید، جایگزین قراردادی سری خواهد شد که مجلسین آن را رد کرده بودند.

وزیر کشور فرانسه به آمریکا رفت

ایسنا: نیکولا سارکوزی روز شنبه سفر چهارروزه‌اش را به آمریکا آغاز کرد. به گزارش آسوشیتدپرس وزیر کشور فرانسه در سفری همدزمان با مراسم گرامیداشت حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ از نیویورک و واشینگتن دیدن می‌کند. انتظار می‌رود سارکوزی با مقامات رسمی از جمله ری کلی کمیسونر پلیس نیویورک و استافن هادلی مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا در باره تلاش‌های ضدتروریسم مباحثه کند. سارکوزی همچنین با کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل دیدار می‌کند. خبرگزاری فرانسه نیز اعلام کرد: سارکوزی یک طرح دور از دسترس را برای خروج اتحادیه اروپا از بن بیست استراتژیکی‌اش و «معاهده کوچکی» به عنوان اولین اقدام آن در راه داده و مخالفت با عضویت ترکیه را خواستار شده است.

پایان ناخوشایند «اردک چلاق» داوونینگ استریت

ترجمه و تنظیم:
محمدعلی فیروزآبادی



برای پی بردن به افکار بلزر کافی است به سفر خاورمیانه‌ای او در هفته آینده اشاره‌ای داشته باشیم. بلر تا قبل از اعلام رسمی تاریخ کناره‌گیری‌اش همواره بر این مسئله پافشاری می‌کرد که مخالفان او متوجه برخی از ظرافت‌های سیاسی نیستند و عقیده داشت و دارد که در موقعیت فعلی تنها به‌د به عنوان مهمانی نه چندان محترم روی کاناپه خونسودر و آرام بنشینند و نظاره‌گر این باشد که میزبان هر لحظه در خروجی را به وی نشان می‌دهد.

آیا بلر واقعاً می‌خواهد تصویر نخست‌وزیری موفق در تاریخ بریتانیا از خود بر جای گذارد؟ تونی بلر تا به اینجایی کار بیش از هر چیز به حزب متبوع خود زیان رسانده است، از چندین سال پیش به این سو شکاف‌ها و انشعاب‌های درونی میان اعضای حزب کارگر دیگر شکاف میان به اصطلاح بلریست‌های اصلاح طلب و سنت گرایان سوسیالیست نیست. در حال حاضر تقریباً همه جناح‌های درون حزب کارگر، آن پسر بزرگ شده در خانواده بورژوا را به این منتهم نمی‌کنند که مثلاً به ارزش‌های پرولتاریا خیانت کرده است بلکه او را به دلیل وابستگی و کرنش بیش از حد در برابر رئیس‌جمهور آمریکا تحقیر می‌کنند.

اما اینکه آیا جانشین در نظر گرفته شده برای بلر یعنی «گوردون براون» امیدهای چپ گرایان حزب را محقق خواهد کرد یا نه، معلوم نیست. تردیدها و قدرت‌طلبی‌های بلر حتی براون را نیز در وضعیت خطرناکی قرار داده است، بسیاری بر این عقیده‌اند که براون نیز به مانند بلر به نوعی پادشاه را به نفع نخست‌وزیر دور خواهد زد و این همان تصویری است که موجب شده است تیم سابق بلر نسبت به انتخاب براون دچار تردیدهایی جدی شوند. بسیاری هم عقیده دارند که بلر حتی در صورت کناره‌گیری همچنان تعیین‌کننده سیاست‌های اصلی جانشینش خواهد بود و بدین ترتیب چپ گرایان حزب کارگر همچنان آن جنگ کوچک خود با داوونینگ استریت را ادامه خواهند داد.

اما این امکان هم برای حزب کارگر وجود دارد که بتواند برای اولین‌بار از داشتن متحدی قدرتمند کاملاً مطمئن باشد. در صورت کنار زدن بلر این امکان برای حزب کارگر پیش می‌آید که اتحادیه‌های کارگری را که روزی به شدت مجذوب بلر بودند، بار دیگر به سوی خود جذب کرده و دوباره از آنها به عنوان مهم‌ترین پشتیبانان ملی حزب کارگر استفاده کنند. البته درخواست‌های اتحادیه‌های کارگری بسیار زیاد است اما بی‌تردید آنها به هیچ روی خواهان اصلاحات اقتصادی نیستند.

به هر ترتیب در حال حاضر رای دهندگان انگلیسی تنها ناظر این جنگ و دعوای‌های سیاسی هستند. بسیاری از آنان این نگرانی را دارند که به این صورت نه تنها فضای کار برای نخست‌وزیر به شدت تقلیل می‌یابد بلکه توانایی و ابتکار عمل بریتانیا نیز همراه با آن به‌طور فزاینده‌ای کاهش پیدا

وعده و وعیدی هم کارساز نبود. با این حال هنوز هم برخی از نمایندگان بر این باورند که اگر بلر هرچه زودتر از نخست‌وزیری کناره‌گیری کند به نفع کشور است. این دسته از نمایندگان غالباً از طرفداران سرسخت گوردون براون به‌شمار می‌آیند و خواهان نخست‌وزیری او هستند. آنها آشکارا اعلام کردند که برنامه زمانی اعلام شده توسط نشریه سان به هیچ وجه قابل‌پذیرش نیست و بلر باید حداکثر تا ماه مارس استعفا دهد.

با این حال بلر تا مدتی نسبت به اعلام رسمی زمان کناره‌گیری خود تردید نشان می‌داد زیرا از آن می‌ترسید که نه‌تنها تبدیل به آن اردک چلاق بلکه تبدیل به اردکی مرده شود. با این حال تردیدی نبود که به وجهه و اقتدار وی آسیب‌هایی جدی وارد آمده است و بی‌تردید دیگر امکان جلوگیری از زوال قدرت او امکان‌پذیر نیست.

بلر نیز درست به مانند مارگارت تاچر برای ترک اجباری قدرت تحت فشار است. البته تاچر یا به عبارتی آن لیدی آهنین» در آن دوران به شدت در برابر آن فشارها مقاومت می‌کرد و حتی اعلام کرد که همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. و همان مقاومت‌ها بود که سران حزب محافظه‌کار را بر آن داشت تا پیش از سقوط حزب، تاچر را از قدرت

دور کنند. اما در مورد بلر وضعیت کاملاً به‌گونه‌ای دیگر است. بلر در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد دیگر برای مقام نخست‌وزیری کاندیدا نخواهد شد و پیش از پایان دوران قانونی نخست‌وزیری‌اش، استعفا خواهد داد. او امید داشت تا شاید این قول و قرارها یک بار برای همیشه به جنجال‌ها پایان دهد اما نمی‌دانست این مسئله یعنی اعلام کناره‌گیری در آن زمان (۲۰۰۴) اشتباهی است که پیامدهایی سنگین برای وی دربر خواهد داشت.

نگرانی بیش از اندازه بسیاری از نمایندگان عضو حزب کارگر بیش از هر چیز از سوی حوزه‌های انتخاباتی‌شان است زیرا نتایج آخرین نظرسنجی‌ها در حوزه‌ها برای حزب کارگر بسیار نگران‌کننده است. حزب کارگر امید دارد تا تغییر و دگرگونی در راس دولت موجب آن شود و به عبارت بهتر این نشان را به آنها بدهد تا بتوانند خود را از قعر جدول نظرسنجی‌ها نجات دهند و بالا بیایند. با این حال اعضا و سران حزب کارگر این احتمال را هم مد نظر دارند که چه‌بسا رای دهندگان تمایلی برای رای دادن به حزبی که رهبریش سقوط کرده است، نشان ندهند.

با این حال سرمداران حزب کارگر هنوز هم غالباً این احتمال را نگران می‌کنند که یک «جابه‌جایی دستوری» میان بلر و براون و تونان از قریب‌تراشی درونی حزب جلوگیری کند. به عقیده کارشناسان و ناظران در وضعیت فعلی بلر و براون چاره‌ای ندارند جز آنکه برای به اصطلاح بازگرداندن طرفدارانشان، به توافقی روشن دست بیایند و در عین حال نسبت به جناح چپ و شورشی خود را که اینگونه ناآواری‌ها را برنمی‌تابند، تجاهل کنند. کنگره آینده حزب کارگر که در شهر منچستر برگزار می‌شود می‌تواند رسیدن به چنین توافقی را ممکن سازد.

با این حال چه‌بسا دیگر همه این اقدامات حزب کارگر بسیار درنگ‌ناهم روانی شده بود و از هر سو داد و فریادها بار پیشین یعنی بلر و براون به شدت تیزه و آشفته است و بسانان کردن این روابط اراده‌ای آهنین و چه‌بسا فوق بشری طلب می‌کند. اصولاً در وضعیت فعلی و با توجه به آشفتنگی بیش از اندازه روابط و مشکلات درون حزبی، نمی‌توان از قریب‌تراشی انتظار رفتاری منطقی داشت. فعلاً تنها چیزی که بیش از هر چیز دیگر احتمال آن می‌رود همان شعله‌ور شدن جنگی بی‌امان میان اعضای حزب کارگر است، و جنگی که بیش از همه مواضع ایدئولوژیک و مسائل شخصی در آن دخالت دارد. مرد سوم در این میان همان دیوید کامرون است که به این وضعیت می‌خندد. حال این رهبر جوان محافظه‌کاران است که می‌تواند در آرامش شاهد تلاش درونی حزب کارگر باشد.

منابع:

۱- زودپوچیه

استفاده تروریسم از اینترنت پیشگیری کرده و قوانینی را برای ممنوعیت اقدامات تحریک کننده اعمال تروریستی تصویب کنند. همچنین تنها در کسندانه پناه‌اندگی دهند که در اعمال تروریستی دست ن‌دارند. این طرح از تلاش‌های گسترده‌تر برای بهبود امنیت هویت ملی و اسناد سفر، بهبود کنترل کمرکی و مرزی و هماهنگی بهتر جهانی در برنامه‌ریزی علیه حملات با تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی حمایت می‌کند. پس از تصویب طرح مبارزه با تروریسم ۹ کشور که بیشتر آنان کشورهای عربی بودند گله کردند که در این طرح اقدامات نظامی رژیم اسرائیل در لبنان و اراضی فلسطین مورد هدف قرار نگرفت و همچنین از گروه‌های مبارز فلسطینی که برچسب تروریسم خورده‌اند، نیز حفاظت نشده است. از سوی اسرائیل نیز از ایران و سوریه انتقاد و اعلام کرد در این طرح در سنگبری روی حملات علیه تل آویو کوتاهی شده است. تصویب طرح استراتژیک مبارزه با تروریسم در پی یک سال کشمکش روی جزئیات این طرح صورت می‌گیرد. در جریان برگزاری یک اجلاس بین‌المللی در نیویورک، به سازمان ملل متحد دستور داده شد که این اعضا سازمان ملل متحد تصور کردند که آنها راه را برای بن بیستی که کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل از آن صحبت کرد پیدا خواهند کرد اما به جای یک تعریف رسمی از تروریسم، در یک بیانیه ساده تروریسم را هر گونه صدمه عمدی یا کشتار غیرنظامیان بدون توجه به انگیزه آنها تعریف کردند. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل طبق قوانین بین‌المللی لازم‌الاجرا نیستند اما از این لحاظ حائز اهمیت هستند که خواسته ملت‌های جهان را ابراز می‌کنند.

نگاه کارشناس

جهان سوم: نیاز به سیاست خیمه‌ای

دکتر حسین دهشیار

نگاهی گذرا به کیفیت حیات در کشورهای جهان سوم این نکته را آشکار می‌سازد که این جوامع در تمامی زمینه‌ها به گونه‌ای حزن‌آور از قری که در آن زیست می‌کنیم فاصله دارند. این فاصله هر روز وسیع‌تر و طولیل‌تر می‌شود به گونه‌ای که به نظر می‌رسد پایدانی بر آن متصور نیست. این «فاصله» که در تمامی حیطه‌ها حاضر است در قلمرو سیاسی از حقیقت ملموس‌تری برخوردار است چرا که در این حیطه با مقوله قدرت سروکار داریم. حیات سیاسی در کشورهای جهان سوم به طرزی انکارناپذیر از نقطه‌نظر کیفی از ویژگی‌های دوران غیر مدنی برخوردار است. تجربه روزمره در بسیاری از کشورهای جهان سوم ماهیت غیر مدنی تعاملات سیاسی را از عینیت دردآوری برخوردار ساخته است. به جهت حاکمیت ذهنیت غیر مدنی در گستره سیاسی است که نگرش‌ها و یا گروه‌های متفاوت در جامعه در تلاش مستمر هستند که به انحصار دست یابند. معضلی که بسیاری از این ممالک با آن دست به گریبان هستند همانا مشروعیت تاریخی نگاه انحصاری در بین گروه‌ها و ارزش‌های مستقر در جامعه است. انحصار در چارچوب این منطق خصلتی نهادینه یافته است یعنی همه ایده‌ها و اندیشه‌ها در جهان سوم عیناً بازتاب یافته‌اند و در نتیجه باید در یک قالب خاص به تعریف گرفته شود و به تجزیه و تحلیل درآید. خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها در جامعه به ضرورت باید به وسیله یک گروه، قشر یا طبقه معین ترسیم شوند. فقط آنها از این توانایی و ظرفیت برخوردار هستند که مسیرها و جهت‌ها را مشخص کنند و مشکلات را برطرف کنند و از پیش رو بردارند. از آنجا که مواجه شدن با اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها از یک سو و نیز مواجه شدن با مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، «تک‌نگاهی» و «تک‌گروهی» امکان ندادم نظام غیربویا را ممکن می‌سازد و درست به همین دلیل حرکت به سوی انحصار و غلبیدن در ورطه انحصارطلبی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. انحصارطلبی به لحاظ این که مانع از این می‌شود که نیروهای انسانی در بشر به باقولگی برسند، عقب‌ماندگی سیاسی و نیز عقب‌گرد در دیگر حیطه‌های زندگی را وسعت می‌دهد و به توسعه‌ای من انجامد. چون انحصارطلبی غیر انسانی، غیر عقلانی و از همه مهم‌تر غیر اخلاقی است منحصر به یک پذیرش طبیعی در جامعه نمی‌شود چون همیشه گروهی معترض و سرکوب شده وجود دارند. به همین روی است که چنین جوامعی نیازمند مکانیسم خاص خود می‌شود. در کثیری از کشورهای جهان سوم هدف دستیابی به انحصار است و همه چیز برای تحقق این مهم قربانی می‌شود. همه چیز در خدمت این هدف قرار می‌گیرد که به ضرورت منجر به از بین رفتن خصلت‌های متعالی انسانی می‌شود. با این نظر گرفتن این موضوع که هدف نهایی دستیابی به انحصار است متوجه می‌شویم که چرا گفت‌وگوی سیاسی و به‌طور وسیع‌تر بده و بستان و مصالحه سیاسی در ممالک جهان سوم فرصت‌بروز پیدا نکرده است. برای تحقق انحصار تنها یک راه وجود دارد و آن هم توسل به سیاست‌های حذفی است. اندیشه‌های متفاوت و گروه‌ها و طبقات دیگری می‌بایستی حذف شوند تا بتوان به هدف رسید. سیاست در گستره جهان سوم ماهیت حذفی دارد و این وسیله‌ای است که از آن به عنوان مدیریت سیاسی یاد می‌شود چون خط‌مشی حاکم برای اداره جامعه تکیه به سیاست حذفی دارد در نتیجه خشونت به یکی از وجوه مشخصه جامعه تبدیل می‌شود. اصولاً سیاست حذفی به دلایل ماهوی، خشونت را به شکل آشکار یا پنهان یا حتی به شکل روانی و فیزیکی آن طلب می‌کند. این که چرا گسل‌های فراوان در کشورهای جهان سوم هر روز گسترده‌تر می‌شوند و امکان محو و از بین بردن آنها وجود ندارد به دلیل حاکمیت سیاست‌های حذفی در حیطه سیاست است. به جهت این که تنوع نگرش‌ها و مشروعیت وجود گروه‌ها و یا طبقات متفاوت با نیازهای متمایز پذیرفته نمی‌شود فرصتی برای گفت‌وگو به وجود نمی‌آید. سیاست حذفی، گوین گفت‌وگو و پذیرش تفاوت‌ها است. سیاست حذفی در کوتاه‌مدت ممکن است برای برتری گروه یا یک اندیشه کارساز باشد اما به جهت اینکه به تشدید قطبی شدن جامعه کمک می‌کند از نهانیده شدن دستاوردهای گروه‌ها و یا اندیشه‌های حاکم جلوگیری می‌کند. همین نشان می‌دهد که چرا حیات سیاسی در کشورهای جهان سوم به شدت بی‌ثبات و اقتدار سیاسی به شدت آسیب‌پذیر جلوه می‌کند. کشورهای جهان سوم برای ورود به قرن بیست و یکم و تجزیه فضای مدنی می‌بایستی به نفی سیاست حذفی بپردازند و تلاش را بر این قرار دهند که «سیاست خیمه‌ای» را بگیرد. هر اندیشه و یا گروهی که خواهان برتری در حیطه سیاست است می‌بایستی به تلاش برای جذب و توجیه دیگران بپردازد و همه را به زیر یک خیمه جمع کند. هرچه اندیشه‌ای نزدیک‌تر به ویژگی‌های انسانی بشر باشد و هرچه گروهی توانمندتر در اداره جامعه باشد تحققاً منجر به وسعت خیمه خواهد شد. استقرار خیمه نیازمند مصالحه و بده و بستان است که این به معنای طبیعی قلمداد ساختن تمایز و تفاوت در قلمرو نگرش و حیطه اداره جامعه است. فضای مدنی تنها در زیرخیمه امکان تبلور را دارد و در محیطی که حذف اساس کار باشد تنها فضایی که شکل می‌گیرد فضای خشونت، چاپلوسی و تمکین است. تنها در بطن سیاست خیمه‌ای است که جهان سوم این فرصت خواهد یافت تا از ورطه عقب‌ماندگی رهایی یابد و حیاتی انسانی را برای مردم امکان‌پذیر کند.